

عرض شده که مرحوم آقای خوئی رض بر استدلال به آیه کریمه حَافِظُوا عَلَی الصَّلَواتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطٰی وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِینَ (۲۳۸) برای اثبات وجوب تعیین نماز جمعه فی کل زمان دو ایراد گرفته اند ، ایراد اول ایشان را به تفصیل جواب دادیم.

ایراد اول ایشان خلاصه اش این بود که تفسیر صلاة الوسطی به صلاة الظهر و همچنین به صلاة الجمعة در روز جمعه ثابت نیست ، بلکه مجمل است صلاة الوسطی و مردّد است بین صلاة الوسطی و صلاة العصر پس به این آیه نمی توان استدلال کرد برای اثبات وجوب تعیین صلاة الجمعة فی کل زمان

ایراد دوم مرحوم آقای خوئی رض به استدلال به این آیه این است که « ایراد دوم را گفتیم امروز جوابش را می خواهیم بحث کنیم » خلاصه ایراد دوم ایشان این بود که « حافظوا » امر ارشادی است ، دلالت بر وجوب محافظت بر صلاة الجمعة یا صلاة الوسطی دارد ، اگر صلاة الجمعة را به نماز جمعه تفسیر کنیم و این تفسیر را هم بپذیریم ، دلالت می کند به وجوب صلاة الجمعة علی ما هی علیه ، حالا اگر این صلاة الجمعة ، مشروط به حضور امام یا من نصبه است ، دلالت نمی کند بر این که این شرط ملغی است ، خلاصه دلالت بر اطلاق وجوب صلاة الجمعة بدون شرط حضور امام و من نصبه ندارد ، بلکه دلالت دارد بر وجوب محافظت بر آن واجب علی ما هو علیه ، حالا اگر آن واجب مشروط به حضور امام او من نصبه است ، به آن واجب با شروطش اهمیت بدهید ، و محافظت کنید ، و دلالت بر اهمیت واجب دارد ، اهمیت صلاة الجمعة علی ما هی علیها من الشروط و القيود ، ولی دلالت بر اطلاق وجوب ندارد ،

جواب ما بر این اشکال ، چند وجه است ،

وجه اول در جواب بر اشکال ایشان این است ، اگر چه حافظوا علی الصلوات و صلاة الوسطی در این جا امر ارشادی است ، و تسلیم می کنیم ارشادیت امر را ، بر فرض

ولی این امر ارشادی، ارشاد به یک واجب عقلی نیست، که هیچ تاثیری بر معنای واجبی که این امر ارشاد به آن هست نداشته باشد، اگر این امر ارشادی، ارشاد به یک واجب عقلی بود، از این امر ارشادی ما هیچ معنای جدیدی غیر از تنبیه به آن حکم عقل به دستمان نمی‌آید و استفاده نمی‌کردیم، اما اگر امر ارشادی، ارشاد به یک حکم شرعی باشد، ممکن است این امر ارشادی به یک حکم شرعی بر وجوبی که در آن حکم شرعی هست اضافه کند یعنی این تاکید را اضافه کند، امر ارشادی باشد ولی امر ارشادی تاکید، برای تاکید بر وجوب، و خود فرمایش ایشان که فرمود که حافظوا ارشاد است و دلالت بر اهمیت می‌کند همین مطلبی را که ما می‌خواهیم به گوئیم، می‌فرماید، پس معلوم می‌شود ارشاد محض نیست، دلالت بر اهمیت می‌کند، دلالت بر موکد بودن آن وجوب،

خوب، بعد این مطلب را ما مطرح می‌کنیم که اگر این واجب یک واجب موکد و مهمی است که امر به محافظت به آن هم شده است، و نحوه تاکید هم، تاکید بر حفظ است، که تاکید بر حفظ این معنا را می‌رساند که باید این واجب همیشه انجام بگیرد، این با واجبی که شرطی داشته باشد، که این شرط منشأ آن باشد که وجوب چنین واجبی منحصر شود به بعضی از ازمینه نادره، چنین تاکید در چنین واجبی با این معنا سازگار نیست

یعنی یک واجبی که مشروط به یک شرط نادر الوقوعی است، بعد بیايد بگويد که این واجب را حافظوا علی... خیلی مهم است این واجب، مواظبش باشید، خیلی مهم به این لسان، به لسان محافظت، آیا این سازگار است با این که این واجب یک واجب باشد که، ماها شیعه ها ۱۴۰۰ سال گذشته، جز در زمان رسول اکرم ص و امیرالمومنین ع این واجب را انجام ندهیم، چه طور واجبی است که حافظوا علی الصلوات و الصلاة الوُسْطی وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ (۲۳۸) محافظت کنید این واجب خیلی مهم است، این واجب مهمی که امر

تاکیدی ، یعنی اکتفا نشده به امر وارد به صلاة در آیه قبل در سوره جمعه ، که بحث کردیم به آن آیه اکتفا نشده است ،

اکتفا به اوامر عامه ، اقیموا الصلاة نشده است ،

در حقیقت سه بار به آن امر شده است ، یکی امر خاص یعنی « فاسعوا الى ذکر الله » باشد

یکی ، امر عام در اقیموا الصلاة باشد که شامل آن هم می شود

یکی ، این جا آمده علاوه بر همه آنها گفته است حافظوا بر این صلوات ، اهمیت دارد این نماز ، این نمازی که این همه اهمیت دارد ، در طول ۱۴۰۰ سالی که از ما گذشته ، فقط باید در عصر امیر المومنین ع به این واجب عمل شود و مدتی که رسول اکرم ص انجام می دادند یعنی ده سال زمان رسول اکرم ص چون گفتیم نماز جمعه اول ورود رسول اکرم ص به مدینه شروع شد ، و حضرت نماز جمعه اقامه کرد ، اولین نماز جمعه را گفتیم که حضرت کی اقامه کرده ، وقتی خواستند مسجد قبا را تاسیس کنند، ده سال دوران رسول اکرم ص و چهار یا پنج سال دوران امیر المومنین ع ، ۱۵ سال ، واجبی که عمرش بیش از ۱۵ سال نیست ، واجبی که شرائطش فقط ۱۵ سال فراهم است ، به این واجب می گویند حافظوا علی الصلوات ، آن وقت این جوری حافظوا علی الصلوات الوسطی ...

جواب دوم بر اشکال آقای خوئی ره این است که امر به محافظه در آیه ، امر به محافظه در صلاة الوسطی عطف بر امر به محافظه در صلوات شده است ، حافظوا علی الصلوات و الصلاة الوسطی ، و اقل ما يفهم عرفاً از محافظه بر صلوات این است که اذا جاء وقتها ، لزماً اقامه ، این اقل ما يفهم است ، وقتی می گویند حافظوا علی الصلوات ، کمترین چیزی عرفاً که حافظوا علی الصلوات فهمیده می شود ، این است که هر وقت ، وقت نماز رسید نماز بخوانید،

قاعده اش این است که در صلاة الوسطی هم ، همین طور باشد یعنی در نماز وسطی ، وقتش رسید ، نماز وسطی را به خوانید ، اعم از این که این نماز وسطی ظهر باشد در ایام دیگر ، یا جمعه باشد در روز جمعه ، پس حافظوا می فهماند که ، به مجرد وصول وقت نماز جمعه ، يجب اقامة ، حافظوا، مثل این است که بگوید « عین همان آیه » اگر وقت نماز جمعه رسید ، حتماً نماز جمعه به خوانید ،

پس بنابراین حافظوا در این آیه دلالت بر وجوب صلاة الجمعة دارد ، خود حافظوا دلالت دارد که ، تجب الصلاة الجمعة متى ما جاء وقتها ، بله اگر دلیل مقید داشته باشیم حرف دیگری است باید بینیم دلیل مقید تقیید می زند یا نه ، اما این دلیل دلالت بر این دارد که متى ما جاء وقت الصلاة وجبت اقامة ،

می گوید هر وقت ، وقت نماز جمعه آمد ، باید محافظت بر نماز جمعه کنید ، یعنی عین صلوات دیگر ، حافظوا علی الصلوات

خلاصه ما اصلاً معتقدیم ، حافظوا « حالا بعداً می گوئیم تا روشن تر شود و الآن نمی خواهیم روی آن تکیه کنیم » بعداً می گوئیم ما قبول نداریم حافظوا ارشاد محض باشد نخیر ، خودش یک قانون جدید را تشریع می کند حالا بعداً می گوئیم ، یعنی در استدلال نمی خواهیم روی این نکته عنایت داشته باشیم ، فقط می خواهیم استفاده از سیاق به کنیم ، سیاق آیه که گفته حافظوا علی الصلوات بعد الصلاة الوسطی

باید الصلاة الوسطی محافظت بر آن کمتر از محافظت بر صلوات دیگر نباشد ، این کمتر از دیگری نباشد ،

اگر یک طوری باشد که اصلاً محافظت بر صلاة دیگر که صلاة وسطی است خیلی کمتر است یا اصلاً امکان

محافظت بر آن نیست الا نادراً الا در زمان « پیامبر ص و حضرت امیر ع » این با وحدت سیاق سازگار

نیست ، وحدت سیاق می فهماند که به همان اندازه از محافظتی که به صلوات دیگر انجام می دهید آن محافظت

را نسبت به صلاة الجمعة هم انجام دهید ، یعنی ازش فهمیده می شود که تا وقت نماز جمعه رسید همه بروید

سراغ نماز جمعه ، همه بروید نماز جمعه یعنی اعم از امام و مأموم ، هم امام برود هم مأموم ، پس این آیه فی نفسه افاده وجوب نماز جمعه را به مجرد حلول وقت می کند ، به قرینه سیاق مخصوصاً حافظوا علی الصلوات تقریب یا جواب سوم که به نظر ما جواب اصلی ، جواب سوم است ، ما اصلاً معتقدیم که محافظت مستقلاً واجبی است در کنار اصل وجوب صلاة ، و محافظت غیر از وجوب اصل صلاة است ، ما دو واجب داریم ، یک واجب اصل اقامه صلاة است فی وقتها ، یعنی بین اول وقت و آخر وقت باید اقامه کند ، یک واجب دیگری داریم که باید این خواندن طوری نباشد که استخفاف به صلاة باشد ، این استخفاف به صلاة خودش یک محرّم مستقلى است ، ما از ادله استفاده می کنیم که استخفاف خود یک محرّم غیر از حرمت عدم اقامه صلاة ، غیر از حرمت ترک صلاة ، روایات زیادی داریم که در وسائل هست ، روایت معروف که صحیح السند هم هست که:

وسائل الشیعة ۴ ۲۶ ۶- باب تحریم الاستخفاف بالصلاة و ال

۴۴۲۳- وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ غَيْرِهِ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْمُثَنِّيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أُمِّ حَمِيدَةَ أُعْزِيهَا بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فَبَكَتْ وَ بَكَتُ لِبُكَائِهَا ثُمَّ قَالَتْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَوْ رَأَيْتَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عِنْدَ الْمَوْتِ لَرَأَيْتَ عَجَبًا فَتَحَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ اجْمَعُوا كُلَّ مَنْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ قَرَابَةً قَالَتْ فَمَا تَرَكْنَا أَحَدًا إِلَّا جَمَعْنَاهُ فَنَظَرَ إِلَيْهِمْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَخِفًّا بِالصَّلَاةِ

که غیر از لاتنال شفاعتنا تارک الصلاة است ، این تارک الصلاة نیست ، ما این جا دو امر داریم

یک امر داریم ، امر به اقیما الصلاة که در سایر آیات آمده است

یک امر دیگر ، امر حافظوا علی الصلوات ، حافظوا علی الصلاة در روایات ، تفسیر شده خود این محافظت که یعنی چی ، محافظت تفسیر شده در روایات ، ما برویم به تفسیر محافظه در روایات رجوع کنیم ، ببینیم این

تفسیر نشان دهنده این است که خود محافظت یک واجب مستقلی است ، درکنار واجب اقامه صلاة ، آن وقت است که می گوئیم ،

با این مقدمه ، آن وقت آن جا نتیجه گیری می کنیم

این معنی از محافظت بر صلوات با شرطیت شرطی که این شرط اقلی الوقوع باشد سازگار نیست ، آن حرف را دوباره این جا تکرار می کنیم ،

بینید ما روایات زیادی داریم که محافظت را تفسیر می کند ما از این روایات استفاده می کنیم ، که خود محافظه بر صلاة ، واجب مستقل شرعی ، پس امر به حافظوا امر موردی است امر ارشادی نیست ، امر مولوی بالمحافظه

روایاتی که هست زیاد است برای نمونه ، چند نمونه اش را می خوانیم ، این روایت صحیح السند است سندش هم از آن سندهای اعلائی است

وسائل الشیعة ج : ۴ ص : ۱۰۷

أَبْوَابُ الْمَوَاقِيتِ

۱- بَابُ وَجُوبِ الْمُحَافَظَةِ عَلَى الصَّلَوَاتِ فِي أَوْقَاتِهَا

۴۶۳۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ كُنْتُ صَلَّيْتُ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ بِالْمُرْدَلَفَةِ فَلَمَّا انْصَرَفَ انْتَفَتَ إِلَيَّ فَقَالَ يَا أَبَانَ الصَّلَوَاتُ الْخُمْسُ الْمَفْرُوضَاتُ مَنْ أَقَامَ حُدُودَهُنَّ وَحَافِظَ عَلَى مَوَاقِيتِهِنَّ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَهُ عِنْدَهُ عَهْدٌ يَدْخُلُهُ بِهِ الْجَنَّةَ وَمَنْ لَمْ يَقُمْ حُدُودَهُنَّ وَلَمْ يُحَافِظْ عَلَى مَوَاقِيتِهِنَّ لَقِيَ اللَّهَ وَلَا عَهْدَ لَهُ إِنْ شَاءَ عَذْبُهُ وَإِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهُ

اکابر اصحاب ائمه ع از رواة این روایت هستند

ببینید هر وقت کلمه وقت می آید کلمه محافظه هم می آید ، اقامه حدود که معلوم است یعنی چی یعنی نماز با کیفیت و اجزا و شرائط آن ،

ما از کلمه حَافِظَ عَلَي مَوَاقِيْتِهِنَّ استفاده می کنیم ، «چون همیشه روایات نظر به آیات دارد» «حافظ» در آیه هم به معنی حافظ علی مَوَاقِيْتِهِنَّ است

وسائل الشیعه جلد سوم کتاب الصلاة ابواب المواقیت باب اول که باب ، بَابُ وَجُوبِ الْمُحَافَظَةِ عَلَي الصَّلَوَاتِ فِي أَوْقَاتِهَا است ، همه روایات این باب ، مخصوصاً روایت اول ، یا همه روایات یا اکثر روایات این باب مورد استشهاد ما خواهد بود ، البته ما گزینش می کنیم

تالار انجمن‌های گفتگوی تخصصی دروس حوزه‌های علمیّه

http://\zekr.com

Copyright © \Zekr.Com

تمام حقوق محفوظ است، نقل تمام یا بخشی از مطالب حتا با ذکر نام منبع، ممنوع و محدود است